

یونان در چنگال اتحادیه اروپا

۲۲ نوامبر ۲۰۱۲

کریستوف درایر

وزرای دارایی اروپا در روز سه شنبه پرداخت وام اضطراری به یونان را بار دیگر به بعد موکول کردند، وامی که در حقیقت موعد پرداخت آن تابستان گذشته بود. طبق گمانه زنی‌های موجود در روز دوشنبه آینده در این باره تصمیم گرفته خواهد شد.

دلایل این تاخیر در اختلافات شدید میان قدرتهای بزرگ درگیر، از جمله دولتهای اروپا و صندوق بین‌المللی نهبته است. به ویژه دولت آلمان از کم کردن شرایط فشار خشن وام امتناع می‌کند. طبق نظر کارشناسان این امری لازم و ضروری است، تا شاید کشور یونان از این طریق از کوه بدهی‌های خود بکاهد. اگر چه یونان تا کنون برای ۵ بار پیاپی برنامه‌های ریاضت اقتصادی را به مورد اجرا گذشته است و در ماه سپتامبر مازاد بودجه‌ای بالغ بر ۷۷۵ میلیون یورو - البته بدون در نظر گرفتن هزینه‌ی بدهی‌ها - داشته است و برای سال آینده انتظار می‌رود که این رقم به ۲۰۲ میلیارد یورو افزایش یابد، با این وجود به علت پرداخت مبالغ هنگفت به طلبکاران، مجموعه‌ی بدهی‌ها همچنان رو به افزایش است.

در حالیکه وزرای امور مالی و صندوق بین‌المللی پول در باره شکل دقیق رژیم بدهی‌ها با هم در حال مشاجره هستند، آنها بر سر این مسئله توافق دارند که کشورهای جنوبی اروپا به طور مستقیم تابع و تحت الحمایه اتحادیه اروپا شوند و تا آخرین ریال می‌بایست از طبقه‌ی کارگر چلانده شود. آنها دیگر تنها به تحمیل برنامه‌های ریاضت اقتصادی به دولت یونان قانع نیستند، بلکه به مانند قدرتهای استعماری قدیمی در حال انتصاب مقامات و مأمورین خود در تمام سطوح دولتی، مدیریت و حتی بانک‌های خصوصی هستند.

یونان به عنوان مدل برای کلّ قاره عمل می‌کند. باز توزیع ثروت از پایین به بالا با حقوق دموکراتیک، یا حتی با اشکال حاکمیت پارلمانی ناسازگار است. آخرین طرح‌های موافقت‌نامه‌های اعتباری میان هر سه گروه (تریکا) - متشکل از اتحادیه اروپا، صندوق بین‌المللی پول و بانک مرکزی اروپا - و دولت یونان الغا عملی تمامی اختیارات قانونی از مجلس را مدّ نظر دارند. تا کوچکترین جزئیات در آنها گنجانده شده است، که در چه مدت زمانی کدام قانونی باید به تصویب درآید. به این روش مجلس متعهد به اجرای دستورالعملی مبنی بر تصویب ۲۵۹ "رفرم" می‌باشد، که شامل هر چه بیشتر کاهش اجتماعی ویرانگر، نابودی قوانین کار و آزادی افسار گسیخته‌ی بازار است.

اگر مجلس یونان از تصویب هر یک از این دستورات سر باز زند، تریکا تهدید به خوداری از پرداخت قسمت‌های بعدی وام‌های اضطراری تضمین شده می‌کند. در این حالت یونان در مدت کمتر از چند هفته ورشکسته می‌شود و قادر به پرداخت دستمزدها، حقوق بازنشستگی و مزایای اجتماعی نخواهد بود.

در حال حاضر دستگاه‌های به ظاهر مستقل اداری شهرها، همچنین تک تک وزارتخانه‌ها، مؤسسات و کارخانه‌های دولتی از هر گونه آزادی عمل محروم شده‌اند. آنها موظف به دست یابی به اهداف ریاضت اقتصادی تعیین شده هستند. از سال جاری بودجه صرفه جویی شده‌ای برای آنها معین شده است. هر گونه قصور در آن به طور خودکار کاهش‌ها را به دنبال خواهند داشت. ناظران ریاضت اقتصادی در هر وزارتخانه منصوب شده‌اند. آنها برای نظارت به رعایت کاهش‌ها گماشته شده‌اند. حتی بانک‌های کشور هم تحت نظارت اعضای این هیئت‌ها قرار می‌گیرند، ناظرانی که به طور مستقیم توسط تریکا در مشورت با دولت منصوب می‌شوند و نظارت بر تخصیص وام را عهده دارند.

در روز دوشنبه، یک سخنگوی دولت اعلام کرد که یونان تمام درآمد حاصل از خصوصی سازی شرکت‌های دولتی سود آور را به یک حساب خاص واریز خواهد کرد که به طور انحصاری برای باز پرداخت بدهی‌ها و بهره استفاده می‌شود و به طور مستقیم تحت کنترل تریکا قرار دارد. وزیر دارایی آلمان ولفگانگ شوبله پیشنهاد کرده است، که حتی وام‌های اضطراری هم در یک چنین حسابی نگهداری شوند. به این ترتیب دولت یونان میتواند آخرین بقایای استقلال مالی خود را از دست بدهد .

دیکتاتوری اتحادیه اروپا در تمام سطوح دولتی، واکنش مستقیم به ادامه‌ی تظاهرات فراگیر، اعتصابات و اشغال کارخانه‌ها می‌باشد. کارگران با توسل به این روش‌ها در سراسر یونان به مصادف بر علیه یورش وحشیانه به دستاوردهای اجتماعی به پا خواسته‌اند و بخش‌های زیادی از دستگاه اداری دولتی را فلج کرده‌اند .

به منظور اعمال کاهش‌های جدید و غارت هر چه بیشتر جامعه یونان، اربابان مالی بطور فزاینده به ابزار اقتدارگرایانه (دیکتاتوری) متوسل می‌شوند. هنگامی که آنان حوزه امور دولتی را تحت استیلا فرامین خود در می‌آورند، باندهای فاشیستی (طلوع طلایی) بسیج شده و با تشویق پلیس بر علیه کارگران و مخالفان سیاسی جولان می‌دهند.

هدف از این اقدامات کاهش بدهکاری دولتی نیست، بدهی‌هایی که بیش از پیش سیر صعودی دارند. هدف تقلیل شرایط زندگی کارگران به سطح کشورهای جهان سوم است. حقوق اجتماعی و سیستم رفاه اجتماعی ویران شدند، دستمزدها تقلیل می‌یابند و صدها هزار تن از کار اخراج می‌شوند. ناتوان از پرداخت هزینه‌های درمانی، هم اکنون بسیاری از کارگران برنامه‌ی ریاضت اقتصادی را با زندگی خود پرداخته‌اند، زیرا که ریاضت اقتصادی از سیستم درمانی جز مخروبه‌ای به جا نگذاشته است.

اربابان مالی هدفشان تعمیم این برنامه به سراسر اروپا است. پس از اسپانیا، پرتغال و ایتالیا، اکنون فرانسه در خط آتش است. در روز دوشنبه، آژانس رتبه بندی مودی، رتبه‌ی اعتباری این کشور را کاهش داد. به خصوص سطح بالای هزینه‌های دولتی، "کسری بودجه ساختاری" و "انعطاف ناپذیری بازار کار" را مورد انتقاد قرار داد. پیش از آن، طی چند هفته‌ی متوالی جهت‌های مختلفی خواهان اعمال اقداماتی بر اساس یک مدل یونانی برای احیای "قابلیت رقابتی" اقتصاد فرانسه شدند.

از این که طبقه‌ی حاکم می‌تواند چنین حملات بربر منبانه‌ای را بر علیه طبقه‌ی کارگر به مرحله‌ی عمل درآورد، مسئولیت آن را باید در نزد اتحادیه‌های کارگری و گرایش‌های شبه چپ جستجو کرد، که این اتحادیه‌ها را تحت پوشش قرار می‌دهند .

اتحادیه‌ها برای اعمال کاهش‌ها بر علیه طبقه‌ی کارگر، از طریق منزوی و متفرق کردن مبارزات آنان، با دولت‌های خود و اتحادیه اروپا به شکلی تنگاتنگ همکاری می‌کنند. آنها مطلقاً از سازماندهی هر گونه همبستگی و دفاع از کارگران یونان امتناع می‌کنند.

سازمان‌هایی مانند حزب جدید ضد سرمایه داری (ان. پی. ای)، حزب چپ در آلمان و یا ائتلاف چپ رادیکال (سیریزا) در یونان از اتحادیه اروپا و طرح ریاضت اقتصادی آن حمایت می‌کنند. آنها قادر به انجام هر کاری برای فلج سیاسی طبقه‌ی کارگر و جلوگیری از مبارزه بر علیه اربابان مالی و خادمین آنان در اروپا هستند .

رئیس سیریزا، الکسیس تسیپراس، اعلام کرد که در روز سه شنبه آینده با سفرای تمامی ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا برای تعمیق روابط و "ایجاد اعتماد" دیدار و گفتگو خواهد داشت. در طول هفته‌ها او خود را برای در اختیار گرفتن دولت از دست‌های دولت ائتلافی بحران زده، تحت نخست وزیر محافظه کار اندنیس ساماراس، برای اعمال فرامین اتحادیه اروپا آماده می‌کند.

برای دفاع از حقوق خود بر علیه دیکتاتوری اتحادیه اروپا، کارگران باید از این سازمان‌ها بگسلند و مبارزه‌ی مشترکی را بر علیه اربابان مالی، دولت‌های آنان و نهادهای اتحادیه اروپا آغاز کنند. تنها بسیج مستقل طبقه‌ی کارگر قادر به جلوگیری از طبقه‌ی حاکم در سقوط قاره به دیکتاتوری و جنگ است.

این امر مستلزم پی ریزی کمیته بین‌المللی انترناسیونال چهارم به مثابه حزب انقلابی طبقه‌ی کارگر، برای متحد کردن کارگران بدون توجه به مرزهای ملی در مبارزه برای یک جامعه سوسیالیستی با سلب مالکیت از بانک‌ها و کنسرن‌ها و قرار دادن آنها تحت کنترل دموکراتیک می‌باشد.

اولین گام، دفاع از کارگران یونانی توسط کارگران دیگر کشورهای اروپایی است. حملات تریکا باید با یک ضد حمله‌ی مشترک خنثی شود، در غیر این صورت طبقه‌ی کارگر در سراسر اروپا با سرنوشتی مشابه مواجه خواهد بود.